كشف و بحث: زمينه، داستان و توضيح يا كاربرد مثل چيست؟
يادداشتها:

الف) زمينه مثل در لوقا 19: 1-11 يافت مي‌شود. عيسي مثل ده سكهٔ طلا را در خانه زكّي و حوالي آن بيان كرد. برخي مردم از عيسي انتقاد كرده، مي‌گفتند كه در خانه گناهكاري (باجگير فاسد سابق) به ميهماني رفته است (لوقا 19: 7). از طرف ديگر برخي از مردم خوشحال بودند كه عيسي آمده بود تا گمشده را بجويد و نجات بخشد (لوقا 19: 10). عيسي مسيح اين مثل را به‌اين دليل بازگو كرد زيرا مردم فكر مي‌كردند كه ملكوت خدا بايد در همان زمان ظهور كند (لوقا 19: 11). يهوديان زمان مسيح، همواره در انتظار ظهور ملكوت خدا بودند (يوحنا 6: 15). آنها فكر مي‌كردند كه ملكوت خدا يك پادشاهي زميني با تجليات بروني است كه به زودي ظاهر مي‌شود و اورشليم و يهوديان در مركز آن خواهند بود. حتي شاگردان مسيح منتظر چنين واقعه‌اي بودند (مرقس 10: 35-45؛ اعمال1: 6).

ب)داستان مثل در لوقا 19: 12-27 يافت مي‌شود.

ج) توضيح يا كاربرد مثل در خود داستان قرار دارد و در برگيرنده اشارات مربوط به پادشاهي خدا و وقايعي است كه در زمان بازگشت مسيح به وقوع خواهند پيوست. زمينه داستان اشاره به انتظار مردم از ظهور ملكوت خدا در آن زمان مي‌كند (لوقا 19: 11). هدف عيسي اين بود كه با برخي ديدگاههاي اشتباه در رابطه با زمان برقراري ملكوت خدا، مقابله كند.
1- برطبق متي 8: 11-12 و 21: 42-44 پادشاهي خدا تنها محدود به ملت اسرائيل نبود بلكه تمامي‌ملل جهان را در بر مي‌گرفت. در هيچ قسمت اين مثل اشاره‌اي به كسب آزادي سياسي براي ملت اسرائيل وجود ندارد!
2- برطبق لوقا 19 تجلي بروني ملكوت خدا در شكل نهايي خود در اينده‌اي بسيار نزديك به وقوع نخواهد پيوست بلكه بازگشت پرجلال پادشاه (كه همان تجلي بروني ملكوت خداست) مدتي به طول خواهد انجاميد و در آن زمان خادمين او بايد در رابطه با وظايفي كه از طرف ارباب‌شان بر عهده آنها گذاشته شده است به او حساب پس دهند.
3- برطبق متي 25 و لوقا 19 هر خادمي بايد در انجام وظايف خود وفادار وكوشا باشد. در داوري نهايي و استقرار پادشاهي خدا در شكل نهايي خود در قالب آسمان و زمين جديد، به اشخاص وفادار و جدي در كارشان، پاداش داده خواهد شد، در حاليكه افرادي كه از مسؤوليت خود غافل بوده وفادار نبوده اند، مورد مجازات واقع خواهند شد. توضيح يا كاربرد اوليه مثل در لوقا 19: 26 آمده است. عيسي مسيح در زمان بازگشتش خادمين خود را مورد بازخواست قرار خواهد داد و همانطور كه در مثل قنطارها آمده است " به هر كه دارد داده شود و هركه ندارد آنچه دارد نيز از او گرفته خواهد شد." اگر ما در به كارگيري آنچه كه خدا به ما سپرده است غفلت كنيم آنچه را هم كه داريم از دست خواهيم داد، ولي اگر از آنها بهره بريم از نظر روحاني افرادي ثروتمند و غني خواهيم بود.
توضيح يا كاربرد ثانوي مثل در لوقا 19: 27 آمده است. عيسي مسيح در زمان بازگشتش تمامي افرادي را كه با او و پادشاهي او مخالفت ودشمني ورزيده‌اند داوري و به شدت مجازات خواهد كرد. افرادي كه در آنها حس تنفر نسبت به خداوند و طرد او وجود دارد، شايسته مجازاتند. برطبق يوحنا 3: 18،36 و 2 تسالونيكيان 1: 7-10، كسانيكه با انجيل خداوند ما عيسي مسيح مخالفت مي‌كنند به شدت مجازات خواهند شد.و برطبق متي 13: 40-42، همه لغزش دهندگان و بدكاران به تنور آتش انداخته خواهند شد.

3- تعيين جزئيات مربوط و نامربوط در مثل
مقدمه: قصد عيسي اين نبود كه تمامي‌جزئيات مثلهايش داراي مفهوم روحاني باشند. جزئيات مربوط يا اصلي در داستان مثل، آن دسته از جزئيات هستند كه درس اصلي مثل را استحكام مي‌بخشند. بنابراين نبايد براي هريك از جزئيات مثل معناي روحاني مستقلي قائل شويم.
كشف و بحث: كداميك از جزئيات اين مثل واقعاً اصلي يا مربوط مي‌باشند.

يادداشتها:

الف) نجيب‌زاده‌اي كه به مقام پادشاهي مي‌رسد. اين قسمت به دليل اشاره‌اي كه به عيسي مي‌كند، يكي از جزئيات مربوط داستان مي‌باشد. عيسي مسيح از زبان نمادين مثل استفاده مي‌كند تا اين حقيقت را بازگو كند كه او بعد از مرگ و قيام خود به نزد پدر صعود كرده، در آنجا به‌خاطر تحقق نقشه نجات، به‌عنوان پاداش، مقام پادشاهي بر تمامي عالم را بدست خواهد آورد (فيليپيان 2: 5- 11). و به‌عنوان پادشاه پادشاهان بر

دست راست خداي پدر در جايهاي آسماني نشسته سر كليسا خواهد بود (افسسيان 1: 20-23).

ب) او به هر يك از خادمين خود يك سكة طلا داد. نكته مهم در اين قسمت مقدار سكه‌اي نيست كه هر يك از خادمين دريافت كردند، بلكه اين حقيقت هست كه هر يك آن را به مقدار مساوي دريافت كردند. عيسي مسيح در اين داستان به وضوح مشخص نمي‌سازد كه مظورش از يك سكه چيست. ولي به نظر مي‌آيد كه اشاره به آن وظايفي مي‌كند كه تا زمان بازگشت خود به خادمان خود سپرده است. برخلاف مثل قنطارها، عيسي به هر يك از خادمان خود به مقدار مساوي سكه داد. اين بخش به طور نمادين بيانگر آن مسؤوليتي است كه عيسي به طور مساوي به همة خادمان خود سپرده است و با در نظر گرفتن اين آيه كه مي‌فرمايد: "پسر انسان آمده تا گمشده را بجويد و نجات بخشد"، احتمالاً اين قسمت اشاره به مسؤوليت اعلام پيغام انجيل مي‌كند كه به همه سپرده شده است. ولي با توجه به اينكه عيسي مشخص نمي‌كند كه منظورش از يك سكه چيست نمي‌توانيم به طور قطعي در اين رابطه نظر دهيم. بنابرآنچه بيان شد به نظرمي‌رسد كه تأكيد داستان روي چگونگي به كار گيري سرمايه است تا روي مقدار و نوع آن.

ج) وظيفه: اين بخش به دليل اشاره‌اي كه به پيام اصلي و مركزي مثل مي‌كند، جزء جزئيات مربوط داستان مي‌باشد. نجيب‌زاده از خادمين خود خواست كه سرمايه اش را تا زمان بازگشتش به كار اندازند. هر چند كه ارزش يك سكة طلا بسيار كمتر از ارزش يك قنطار است، تأكيد داستان روي چگونگي استفاده از سرمايه است تا ارزش آن. به همين گونه از مسيحيان انتظار مي‌رود كه آن سرمايه‌اي را كه عيسي مسيح به آنها سپرده به كار گيرند و در انجام وظايف خود با جديت عمل كنند. اگر فرض كنيم كه در اين داستان، سكة طلا نمايانگر وظيفه اعلام پيغام انجيل است، وظيفه هر ايمانداري اطاعت از كلام و اعلام خبرخوش آن به دنياي گمشده است. و اگر سكة طلا بيانگر خدمت به خدا به هر نوعي در جامعه است، اين وظيفه بايد با جديت و وفاداري انجام شود.

د) نجيب‌زاده مورد تنفر برخي از اهالي ولايت خود قرار داشت. اين بخش به‌اين دليل يكي از جزئيات مربوط داستان است كه عيسي در آن به نوعي اشاره به تلاش رهبران يهودي و يوناني زمان خود در مخالفت با پادشاهي وي مي‌كند. البته تلاش آنها ثمربخش نبود زيرا در نهايت عيسي مقام پادشاهي بر تمام عالم را بدست آورد. طبق مزمور 118 : 22-23 و متي 21: 42، "عيسي سنگي بود كه معماران آن را رد كردند ولي همان سرزاويه شده است".

ه: پادشاه پس از بازگشتش، به خادمين خود پاداش داده، مخالفانش را مجازات نمود. بازگشت نجيب‌زاده در مقام پادشاه، به طور نمادين نمايانگر بازگشت پرجلال عيسي مسيح است. عيسي در داوري نهايي اش، خادمين وفادارش را متناسب با امانتشان پاداش داده به آنها موقعيت براي خدمت بزرگتري در آسمان و زمين جديد عطا خواهد كرد. او همچنين تمامي مخالفانش را بر اساس ايمان يا بي‌ايماني‌شان داوري خواهد كرد. ايمان در خدمتِ جدي و وفادارانه خدا نمايان مي‌شود، و بي ايماني در غفلت از انجام وظايف و بي‌وفايي به خدا. معناي اصلي داستان اين است كه هر شخص بايد به بهترين نحو از آنچه كه خدا در اختيار وي قرار داده استفاده كند. به‌عنوان مثال، ايمانداران مي‌توانند به بهترين نحو پيغام انجيل را كه به آنها اعلام شده است در اختيار ديگران قرار دهند.

و: حاضرين كه در آية 24 به آنها اشاره شده است، شخصيت‌هاي موجود در داستان هستند نه افرادي كه شنونده اند. همينطور شخصي كه در آيات 26 و 27 سخن مي‌گويد، پادشاه موجود در داستان است نه عيسي مسيح. ولي در نهايت سخنان موجود در اين آيات بيانگر افكار عيسي مسيح هستند.

4- تعيين پيام اصلي مثل

مقدمه: پيام اصلي داستان يا در خود داستان و يا در توضيح يا كاربرد آن يافت مي‌شود. از روشي كه خود عيسي مسيح براي توضيح يا كاربرد مثل به كار مي‌برد، مي‌توانيم پي ببريم كه مثل را چگونه بايد تفسير كنيم.هر مثل معمولاً فقط يك داستان يا نكته اصلي دارد. بنابراين نبايددرپي اين باشيم كه يك حقيقت روحاني از هر يك از جزئيات مثل بيابيم، بلكه بايد به دنبال درس اصلي مثل باشيم.

بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟

يادداشتها:

مثل ده سكة طلا در لوقا 19: 11-27، دررابطه با "پاداش در ملكوت خدا" مي‌باشد. پيام اصلي مثل اين است كه "مردم بايد ازآنچه كه مسيح در اختيارشان گذاشته، بهترين استفاده را بكنند. خدا به افراد وفادار و كوشا پاداش داده، افراد بي‌وفا را كه غافل از

مسؤوليتهايشان بوده اند، مجازات خواهد كرد." در چهارچوب اين بخش، مشخص مي‌شود كه چه كسي نسبت به عيسي مسيح و كلام او مسئول بوده، و اين حقيقت را درك كرده است كه عيسي مسيح آمده تا گمشده را بجويد و نجات بخشد.
"خدمت توأم با از خودگذشتگي" يكي از ويژگيهاي بنيادين ملكوت خداست. ايمانداران واقعي افرادي هستند كه با از خود گذشتگي آنچه را كه خدا به آنها سپرده است به نفع ديگران به كار مي‌برند. اگر وظيفهٔ اعلام پيغام انجيل به عهده شخصي گذاشته شده است، اين شخص با الگو برداشتن از نمونهٔ عيسي مسيح، بايد به دنبال گمشدگان و دعوت آنها به نجات باشد. هر شخص بايد مطابق با وظيفه‌اي كه دارد روي جامعه اطراف خود تأثير گذاشته، ثمر بياورد.
عيسي مسيح وعده داده است كه هر كس كه تعاليم كلام خدا و بركات الهي را در زندگي خود قبول كند، از ثروت روحاني برخوردار خواهد بود! ولي از طرف ديگر به افرادي كه تعاليم كلام و بركات خدا را قبول نكنند هشدار داده شده است كه از نظر روحاني فقير خواهند بود. شخص در صورت غفلت از فرامين خدا، مي‌تواند به راحتي هر بركت روحاني را از دست بدهد.

5- مقايسه مثل يا قسمتهاي مشابه و متضاد در كتاب‌مقدس
مقدمه: بعضي از مثل ها مشابه يكديگرند و قابل مقايسه مي‌باشند.اما حقيقت موجود در تمام مثلها با حقيقتي كه در ساير قسمتهاي كتاب‌مقدس تعليم داده شده، يا داراي تشابه است يا تضاد. سعي كنيد مهم ترين قسمتهاي قابل مقايسه را كه ما را در تفسير مثل ياري مي‌دهند، بيابيد. هميشه تفسير مثل را با تعليم مستقيم وواضح كتاب‌مقدس محك بزنيد.
كشف و بحث: تعليم موجود در اين قسمتها را چگونه مي‌توان با تعليم موجود در مثل مقايسه كرد.
يادداشتها:
پيام اصلي مثل " كارگران تاكستان"، مثل " قنطارها" و مثل "ده سكهٔ طلا "، همه در رابطه با بازگشت عيسي مسيح مي‌باشد. تمام مسيحيان بايد براي بازگشت عيسي مسيح آماده باشند. اين زماني است كه آنها بايد براي آنچه كه او به آنها سپرده است حساب پس دهند.
اين مثلها در عين حال هر يك به حقيقتي مهم و متفاوت از مثلهاي ديگر اشاره مي‌كنند كه ذيلاً به آنها اشاره مي‌شود:

الف) مثل كارگران تاكستان
قرائت: متي 20: 1-16. در اين مثل مي‌خوانيم كه صاحب تاكستاني در ساعات متفاوت روز چندين كارگر گرفت تا در تاكستانش كار كنند، ولي در انتهاي روز عليرغم اينكه برخي از كارگرها بيشتر كار كرده بودند، به همه آنها به يكسان مزد داد. اين مثل بيانگر اين حقيقت است كه مهم نيست چه زماني خدا شخص را دعوت مي‌كند يا اينكه چند وقت است كه او مسيحي شده است، خدا براساس محبت الهي خود به هركسي در هر زماني كه نزد او مي‌رود پاداش مي‌دهد. خدا همان نجات را به هر كسي كه مايل به دريافت آن باشد، با سخاوت عطا مي‌كند (لوقا 23: 40-43). كارگراني كه ديرتر شروع به كار در تاكستان كرده بودند، معادل مزد كارگراني دريافت كردند كه از صبح كار كرده بودند، زيرا همه آنها در مدت زماني كه قرار بود كار كنند، وفادارانه و با جديت كاركرده بودند.

ب) مثل قنطارها
قرائت: متي 25: 14-30. در اين مثل اربابي به هر يك از سه خادمش مقدار متفاوتي قنطار داد. ولي پس از بازگشتش، پي برد كه دو نفر از آنها قنطارهاي خود را دو برابر كرده‌اند، و به آنان پاداشي يكسان داد.
اين مثل بيانگر اين حقيقت است كه خدا به خادمين خود براساس وفاداري و جديتشان در كار پاداش مي‌دهد، نه برحسب مقدارتوانايي كه جهت موفقيت در كارداشته اند. مهم نيست هر كس چه مقدار توانايي و موقعيت براي به كار گيري آن دارد. خادمي‌كه تواناييهاي بيشتري جهت كسب موفقيت داشته است در مقايسه با كسي كه از تواناييهاي كمتري برخوردار است، پاداش بيشتري دريافت نخواهد كرد. زيرا در نظر ارباب‌شان هردو به يك اندازه در كارشان وفادار بوده اند.

ج) مثل ده سكهٔ طلا
قرائت: لوقا19: 11-27. در اين مثل نجيب‌زاده به همه خادمان خود به مقدار مساوي پول داد ولي زمان بازگشتش، وقتي پي برد كه بعضي از آنها سود بيشتري كسب كرده‌اند، به هركدام به طور متفاوت پاداش داد. اين مثل بيانگر اين است كه خدا براساس درجات مختلف وفاداري خادمينش نسبت به او، آنها را پاداش خواهد داد. خادمي‌كه از درجه بالاتري از وفاداري و جديت در كار برخوردار است، ازوظيفهٔ مهم‌تري نيز برخوردار خواهد شد (1قرنتيان 3: 12-15).

6- خلاصه تعاليم اصلي مثل

بحث: تعاليم يا پيامهاي اصلي مثل چيست؟ عيسي مي‌خواهد چه چيزي را بدانيم يا به آن ايمان بياوريم؛ او مي‌خواهد كه ما چه باشيم يا چه بكنيم؟

يادداشتها:

الف) تمامي‌مردم بايد در مورد خدا شناخت داشته باشند. خدا در روز داوري به هر مسيحي پاداش خواهد داد. البته اين به‌خاطر اين نيست كه مسيحيان سزاوار آن هستند، بلكه به‌خاطر محبت و رحمت خداست. برطبق افسسيان 2: 10، حتي اعمالي كه مسيحيان انجام مي‌دهند براساس فيض خداست!

ب) مسيحيان بايد بدانند كه خود چگونه بايد باشند و عمل كنند. خدمت به خدا با انگيزة درست و با وفاداري و جديت امري مهم است.

1- شهروندان واقعي ملكوت خدا، افرادي هستند كه با انگيزة دريافت پاداش كار يا خدمت نمي‌كنند. بلكه مي‌دانند كه خدا در حاكميت خود انطور كه صلاح بيند افراد را پاداش خواهد داد.

2- شهروندان واقعي ملكوت خدا، افرادي هستند كه در رابطه با تواناييها و موقعيتهايي كه خدا به آنها سپرده است وفادار و كوشا هستند. براي خدا ملاك اصلي براي دادن پاداش، وفاداري افراد است نه درجه توانايي و موفقيتهاي آنها.

3- شهروندان واقعي ملكوت خدا، افرادي هستند كه از آنچه كه خدا به آنها سپرده با وفاداري و جديت به بهترين نحو استفاده مي‌كنند. خدا به وفاداري افراد برحسب درجات مختلف آن، پاداش متفاوتي عطا مي‌كند.

ج) اصل مهم در ملكوت خدا اين است كه " به هر كس كه دارد داده شود و افزوني يابدو از آنكه ندارد آنچه دارد نيز گرفته شود" (متي 25: 29). در صورت غفلت در بكارگيري آنچه كه خدا به ما سپرده است، آنچه را هم كه داشتيم از دست خواهيم داد. ولي در صورت به كارگيري آنها، از ثروتي روحاني برخوردار خواهيم شد.